

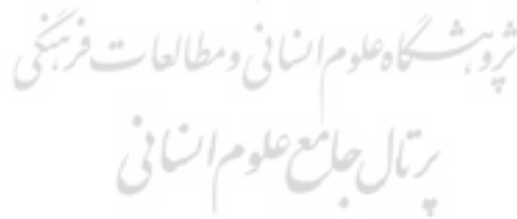
The Establishment of Iranian Civilization in Old Asia

Nasser Takmil Homayoun*

Abstract

Old Asia, as the largest continent of Earth, has been home to the earliest human communities who organized their ancient lives within diverse cultures. The inhabitants of Asian lands, through migration and interactions—often challenging—left profound influences on one another and were never entirely isolated. Among the deeply rooted Asian peoples recorded in history, the most renowned may be the "Aryan" people, who branched into various groups. Over time, through cultural evolution and civilization-building, they emerged prominently during a pivotal historical period marked by the rise of urbanization, governance, and the age of writing, establishing their presence in the realm of civilization. This phenomenon has been evident since the third millennium BCE.

Keywords: Aryans; Iranians; Culture; Civilization; Civilized Iran.



* Associate Professor, Institute for Humanities and Cultural Studies, ntakmil@gmail.com

Date received: 12/06/2022, Date of acceptance: 10/09/2022





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

بنیان یابی تمدن ایرانی در آسیای کهن

ناصر تکمیل همایون*

چکیده

آسیای کهن به گونه بزرگ ترین قاره زمین، زیستگاه نخستین جماعت های انسانی بوده که حیات باستانی خود را در فرهنگ های گوناگون نظم داده اند. ساکنان سرزمین های آسیایی در مهاجرت و ارتباط با یکدیگر که گاه به سختی صورت می گرفت، تأثیر و تأثرات بسیار در یکدیگر باقی گذاشته اند و هیچگاه بریده از هم نبوده اند. از اقوام ریشه دار آسیایی نامهایی در تاریخ آمده که مشهورترین آنها شاید «قوم آریین» ها باشد که به شعبه های گوناگون تقسیم شده اند و در مراحل تکاملی زمان و فرهنگ و فرهنگ سازی، در برهه ای از تاریخ که تحول عظیم شهرنشینی و حکومت و عصر کتابت پدید آمده آن قوم را در پهنه تمدن قرار داده است. این امر از هزار سوم پیش از میلاد مشهود است.

کلیدواژه‌ها: آریین ها، ایرانی ها، فرهنگ، تمدن، ایران متمدن.

۱. مقدمه

خشکی بزرگ زمین (قطعه کبری) را آسیا خوانده اند. درباره نام این قاره نظریه های گوناگون بیان شده است. از آن میان آسیا را از واژه «آس» که نام یکی از طایفه های آریایی قفقاز بوده دانسته اند (Herodote).

* استاد پژوهشکده تاریخ پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ntakmil@gmail.com

دکتر ناصر تکمیل همایون جامعه‌شناس و تاریخ‌نگار ایرانی و استاد پژوهشکده تاریخ پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در تاریخ ۲۵ آبان ۱۴۰۱ درگذشتند.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۲۲، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۱۹



محمد حسن خان اعتمادالسلطنه که از نخستین دانشمندان ایرانی است که نسبت به جغرافیای جهان با دریافت های جدید علمی، اظهار نظر کرده چنین آورده است:

نه تنها مورخان و جغرافیدانان یونانی نتوانسته اند [دریاره نام آسیا] ریشه یابی کنند بلکه هرودت هم «وجه موجھی» پیدا نکرده است تا اینکه در سده اخیر در «خرابه نینوا» به دنبال کاوش های باستان شناسی لوحه ای به «خط پیکانی» [میخی] و به زبان آشوری بدست آمد که با خواندن و بررسی آن معلوم شد که آشور به معنای شرق است و عرب [ارب - Arab] به معنای مغرب، آشور آسیا شد و عرب [ارب] اروپا، بدین اعتبار آسیا یعنی شرق و اروپا یعنی مغرب. (۲)

فرهنگ نامه های فارسی نیز اشاره هایی درباره آسیا دارند که همانندی آنان مشهور است.

(۳)

کشورهای آسیای غربی (آسیای پیشین - آسیای مقدم) که در طی تاریخ چند هزار ساله خود، آمیختگی اجتماعی و فرهنگی یافته اند و به مرور زمان همسانی و هم آهنگی های نسبی پیدا کرده اند، در دو سده اخیر به دلایل گوناگون که سیاست های سلطه جویانه امپریالیستها، افتراق و جدایی های نابهنجاری را میان آنان پدید آورده اند، اما هنوز ریشه های تاریخی و تنه های تنومند پایداری ها زنده هستند.

قاره بزرگ آسیا را به شیوه های گوناگون جغرافیایی، اقتصادی و سیاسی تقسیم کرده اند و گاه به شیوه هایی استعماری و سلطه گرانه بر آن نگریسته شده است یعنی در پیوند با متروپل های سلطه و استعمار غربیان (پاریس - لندن) بر این قاره بوده و مدتها ادامه داشته است.

تقسیم بندی خاور نزدیک، خاور میانه و خاور دور در رابطه با پاریس و لندن و در پی آن آسیای نزدیک، آسیای میانه و آسیای دور در رابطه با مسکو است. اما علمی ترین و واقعی ترین تقسیم بندی ها بی تردید آن است که جغرافیدانان از گذشته های دور نگاه داشته اند و چهار جهت اصلی جهان و فروع آن را مورد توجه قرار داده اند.

۲. شناخت کهن جغرافیایی

مردم جهان در هر منطقه ای که زندگی می کردند محیط جغرافیایی زیستن خود را نام و نشان می دادند و با دیگر منطقه های جهان در پیوند می شناختند تا آنجا که جهان شناسی روزگارشان تمیز می داد، حیات جهانی و جغرافیایی خود را تبیین می کردند.

بنیان یابی تمدن ایرانی در آسیای کهن (ناصر تکمیل همایون) ۵

ایرانیان نیز با برخورداری از فرهنگ و زمین‌نگاری‌های اقوام همجوار خود شناخت‌نامه‌های تاریخی گوناگون مدون ساخته‌اند که مشهورترین آنها تقسیم جهان به چهار بخش است که یک بخش آن (ربع مسکون) قابل‌نشیمن بوده و از این محدوده قابل‌زیست «دانگی» [یک ششم] معمور شناخته شده است. (۴)

ربع مسکون جغرافیای کهن به هفت اقلیم [اقلیم سبعه] تقسیم می‌شدند که جغرافیدانان ایرانی و مسلمان با برخورداری از فرهنگ بابلی و هندی [هپته بومی] و باورمندی‌های ایرانیان به تفصیل از آن در آثار خود سخن به میان آورده‌اند. (۵)

هر یک از اقلیم‌های هفت‌گانه زمین بر پایه‌ی میتولوژی باستانی به یکی از ستارگان آسمان منسوب بوده‌اند بدین شرح:

اقلیم اول با زحل، اقلیم دوم با مشتری، اقلیم سوم با مریخ، اقلیم چهارم با آفتاب (خورشید)، اقلیم پنجم با زهره، اقلیم ششم با عطارد، اقلیم هفتم با ماه. اما در تعلق ایران به اقلیم یاد شده دو نظر مختلف وجود داشته است. در مقدمه‌ی شاهنامه ابومنصوری آمده است،

هر کجا آرامگاه مردمان بود، چهر سوی جهان از کران تا کران، این زمین را به بخشیدند و به هفت بهر کردند [هفت اقلیم] و هر بهری [اقلیمی] را یک کشور خواندند و هفتم که میان زمین است این است که ما بدو اندریم و شاهان آن را ایرانشهر خواندی. (۷)

ابوریحان بیرونی نوشته است: «هر یک از این قسمت‌های هفت‌گانه را کشور نامیدند. نخستین آنها میانین است که ایرانشهر است ولی آنرا در شمار چهارم نهاده‌اند تا در جهت شمار نیز میانین باشد.» (۸)

تبیین‌ها و تحلیل‌های جغرافیایی کهن در اغلب منابع جغرافیایی فارسی و عربی به تفصیل آمده است و می‌توان آن را نشان‌دهنده‌ی یک واقعیت دانست و آن این است که اقوامی در بخش مهمی از آسیای زندگی‌دیرینه‌ای داشتند و پیش و کم خود و سرزمین‌زیستی و پیرامونی آن را می‌شناختند.

۳. شناخت جدید قاره آسیا

در تبیین‌های جغرافیایی اروپاییان از جهان به ویژه جهان آسیایی از سوهای ایرانیان آگاهی داشتند. محمدحسن خان اعتمادالسلطنه که بیشتر از افراد نام‌برده شده نسبت به این امر توجه کرده و نوشته است

آزیا را مردم مشرق زمین آسیا تلفظ می کنند و آن اسم اقلیمی از اقالیم خمسه [قاره های پنجگانه] کره ارض می باشد و از چهار اقلیم دیگر وسیعتر و مهد بنی نوع بشر و ظهور تمدن در آن از همه جا بیشتر شده بود. (۸)

در تقسیم بندی جغرافیایی جدید در ارتباط با ایران که بخش بیشتر مورد توجه است نخست آسیای جنوب غربی که البته در شناخت آن اختلاف نظر وجود دارد و گاه بخش هایی از آسیای مرکزی را نیز در بر می گیرد. و همانندی های طبیعی و ادغام های مدنی و فرهنگی ساکنان این منطقه به مرور موجب یگانگی های تاریخی شده و وقایع جدیدی را در تاریخ انسان های آسیایی پدید آورده است. ناگفته نماند به قول چارلز الکساندر رابینستون (Charles Alexander Robinson):

واقعه ای را می توان تاریخی نامید که از آن مدارکی بر جای مانده باشد و تاریخ نویسان بتوانند آنها را بخوانند و درک کنند بدین ترتیب حق داشتیم بگوییم که مدارک کتبی و باستان شناسی دلیل بر وجود گذشته تاریخی به دست می دهد اما البته در مورد پیش از تاریخ این دلیل محدود است. دوره پیش از تاریخ طبق تعریف عبارت از دوره ای است که از آن مدرک کتبی یا در هر صورت مدارک کتبی که قابل خواندن و فهم باشد به جای مانده باشد تنها اشیایی مورد استفاده ما قرار می گیرند که توسط بشر ساخته شده باشد و بنابراین در مورد دوره های پیش از تاریخ باستان شناسی به منزله تاریخ محسوب می شود. (۹)

رابینستون به مسئله دیگری اشاره دارد که برای همه محققان روزگار باستان مشکل آفرین است. نگارنده از عشق آباد تا آن سوی ختا و ختن، همراه با باستان شناسان نامی، ناظر تپه های باستانی متعددی بودم متعلق به عصر باستان که هنوز مورد بررسی های آغازین قرار نگرفته بود تا چه رسد به حفاری و کاوش های علمی و نشر دست آوردهای تحقیقاتی. از این رو رابینستون به درستی نوشته است:

اما در سال های اخیر معلومات ما در نتیجه علم جدید باستان شناسی به مراتب افزایش یافته است. هر ساله به سبب کاوشهای بسیار در سرزمین های مختلف ساختمان ها، مجسمه ها، ظرف ها و مدرک هایی در اختیار ما قرار می گیرند و اطلاعاتی که از آنها بدست می آوریم نه تنها به معلومات ما می افزاید بلکه بیشتر اوقات بطلان عقایدی را که سابقاً درست می پنداشتیم، به ثبوت می رساند و دریچه های تازه ای به روی ما می گشاید. کاتب نبودن تحقیقات تاریخی فیزیکی از جنبه های مجذوب کننده آن است. اگر همه مطالب گفته شود همه کارها به انجام رسیده باشد سود مهمی که از باستان شناسی عاید می

بنیان یابی تمدن ایرانی در آسیای کهن (ناصر تکمیل همایون) ۷

شود این است که به معلومات ما درباره زندگی اجتماعی و هنری اقوام باستان می افزاید و مدارک کتبی را تکمیل می کند و این خود قابل اهمیت را دارد. (۱۰)

پاره ای از دانشمندان به ویژه باستان شناسان در تبیین تحولات تمدنی سهم به سزایی داشته اند از آن میان گوردن چایلد (Gordon Childe) در سال ۱۹۳۴ میلادی سفری به روسیه کرد و با داشتن احساسات ضد نازی بیشتر تحت تأثیر عقاید مارکسیستی قرار گرفت. به طوری که چاپ جدید کتاب های *طلوع تمدن اروپایی و انسان خود را می سازد* نشانگر این معنا است.

در دو کتاب یاد شده و نیز *تحول اجتماعی*، نفوذ اندیشه های کارل مارکس و هگل دیده می شود اما از جرمیت و تعصب دور است. گوردون چایلد اصل تحول را قبول دارد. لکن این امر را جهانی و یکسویه و یکنواخت و همسان نمی داند و به مسئله فرهنگ و نقش آن در جامعه ها تأکید فراوان دارد. دوران تولید خوراک، دوران سکناگزینی، تمدن شهرنشینی و تحولات آن (= انقلاب شهری) و عامل های تحقق آن (عامل های دهگانه انقلاب شهرنشینی) مهمترین نظریات گوردون چایلد است که از مجموعه آمار او بدست می آید. (۱۱)

قاره آسیا که یک سوم خشکی جهان است و ۴۴/۰۰۰/۰۰۰ کیلو متر مربع وسعت دارد، بخش های زیادی از آن کم باران و خشک است و در تابستان ها گرم و در زمستان ها سرد شناخته شده است، با این حال رالف لیتون نوشته است:

«مهمترین مرکز دنیای قدیم برای اهلی ساختن گیاهان و جانوران منطقه آسیای جنوب غربی بوده است.» (۱۲)

اقتصادهای نخستین و اصول تغذیه که در عهد «نوسنگی» آغاز شد در همین منطقه پدید آمد. مقدمات تمدن های کهن را در همین منطقه شناسایی کرده اند. لیتون افزوده است: «به موجب اطلاعات دقیق و مستند در حدود ۵۰۰۰ سال پیش از میلاد در بیشتر نواحی این سرزمین زندگی ده نشینی برقرار شده بود و عموم قبایل مختلف یک نوع الگوی کلی متشابه به حیات خود ادامه می دادند.» (۱۳)

به هر صورت این زادگاه تمدن «نوسنگی» به عقیده باستان شناسان مهد پرورش باستانی ترین تمدن های تاریخی بوده است و بر مرور زمان پایگاه انتشار فرهنگ ها و تمدن های «همسنگ» و بهم آمیخته بوده است. انسان هایی که در این سرزمین های وسیع زندگی می کردند در مسیر تاریخ نام های آریین و ترک و تاتار یافته اند و هر گروه آنان در زمانی به سویی مهاجرت کرده اند. گروه غالب اجتماعی و فرهنگی آریین ها بوده اند و به لحاظ اقتصادی گاوداری منبع اصلی شیوه های تولیدی آنها بوده است.

در گروه های مزبور گرایش های هند و اروپایی وجه ممتاز آنان شناخته شده است و هم آنان بوده اند که با آوازاها و رامشگری های گوناگون، پاره ای از اعتقادات متافیزیکی را در سراسر منطقه بگونه کتابخانه و آموزش های رسمی هم تولید و هم توزیع فرهنگ را پراکنده اند.

رالف لیتتون در پیوند این امر فرهنگی با زندگی اقتصادی آن روزگاران حیات ممتازترین اقوام کوچنده یعنی «آرین ها» را چنین توصیف کرده است:

لفظ آرین ها و آریایی در دوره های اخیر انقدر مورد استعمال درست و نادرست قرار گرفته که باید برای معرفی کردن آن قبایل که هم دارای تمدن گاوداری بودند و هم به زبان هند و اروپایی سخن می گفتند به کار برد. در صورت فقدان یکی از این مشخصات اصلی استعمال آن لغت بیجا است. (۱۴)

۴. سرزمین های ایرانی نشین

باستان شناسان و مورخان عهد قدیم به گونه هایی سکونتگاه آرین ها را در پی مهاجرت هایی چند، میان گنگ و فرات نوشته اند. (۱۵) این سرزمین وسیع و پر برکت به مرور زمان آریانا، و ایرنا (ایران) نامیده شد که حد و مرز مشخص فرهنگی و تاریخی آن را می توان بدین شرح بیان کرد:

«از شرق سند و جبال هندوکش و از غرب جلگه های میان رودان (بین النهرین) و آسیای صغیر از شمال دریای خوارزم و بلندی های قفقاز و رود کورا و از جنوب آن سوی خلیج فارس و دریای عمان» (۱۶) ایران زمین دارای فلات ها یا تپه های متعدد است که بزرگ ترین آنها به نام فلات ایران شهرت یافته است و گاه تصور نادرستی را پدید می آورد که گویی «فلات ایران» همان «ایران زمین» است. (۱۷)

کوه های بلند اطراف فلات های ایران از حرکت ابرهای باران ساز برخاسته از دریای مدیترانه و دریای مازندران به بخش های میانی ایران زمین ممانعت کرده است و به همین دلیل در خشکی و کم حاصل شدن آن عامل مؤثری به شمار رفته است ولی به همان سان که شکاف های جبال یاد شده در طی تاریخ دروازه عبور و مرور مردمان مختلف و فرهنگ های گوناگون بوده، حرکت کاروان ابرهای شمالی و غربی نیز همین وظیفه را بر عهده داشته و آبادانی هایی را در درون ایران پدید آورده است. (۱۸)

به بیان دیگر می توان بیان کرد با تمام موانع طبیعی و جغرافیایی موجود در ایران زمین همواره دروازه ها و راه های گوناگون کوهستانی و دشتی وجود داشته که اقوام آسیایی بتوانند از آن عبور کنند و خود را به غرب آسیا برسانند و یا ساکنان غربی بتوانند با گذر از ایران در دل آسیای کهن به سیر و سیاحت و پژوهش بپردازند. ساکنان ایران زمین از ادوار پیش تاریخی به مرور گذر کرده و به عصر تمدن (civilisation) رسیده اند. ناگفته نماند که نه تنها پژوهشگران ایرانی بلکه محققان طراز اول غربی نیز، به روشنی تفاوت میان فرهنگ و پاره فرهنگ و تمدن و مدنیّت را روشن نکرده اند. اندیشمندان جدید به ویژه انسان شناسان، برای همه اقوام بشری در همه جای جهان قائل به موجودیت فرهنگ و پاره فرهنگ هستند و هویت های قومی هر گروه اجتماعی را در تار و پود فرهنگ و پاره فرهنگ جستجو می کنند، هیچ قوم بدون فرهنگ (که گاه وحشی خطاب شده اند) در جهان وجود ندارد از آن میان در آسیا فرهنگ ها و پاره فرهنگ های متعدد حیات یافته و استمرار پیدا کرده اند. اما دوره هایی از تاریخ در پی انباشت فرهنگ ها و تحولات اجتماعی (چون پیدایش خط و کتابت، زندگی شهرنشینی، حکومت های گوناگون، نهادهای سیاسی و اجرایی و روابط گسترده تر میان قومی و جز اینها) مرحله جدیدتری پدید می آید که «تمدن» نامیده می شود... این امر یکباره در تمام جوامع پدید نمی آید، قوم هایی به دلایل جغرافیایی و اجتماعی و اقتصادی و تسهیلات فرهنگی پیشگام اقوام دیگر هستند و برخوردها و دادوستدهای اجتماعی و اثر بخش های ساختاری و کرداری به مرور قوم های عقب مانده را به حرکت و تکاچو در می آورد.

در سرزمین های وسیع که اقوام خاص زندگی کرده اند، تمدن یکبار در تمامی آن سرزمین ظاهر نشده است و چه بسا بخشی به دوره درخشان تمدن رسیده اند و بخش یا بخش های دیگر هنوز در دوره های نمادیسیم (nomadisme) فرهنگی تلاش می کنند. ناگفته نماند که بسیاری از مورخان و پژوهندگان تاریخ باستان تفاوت زیادی میان فرهنگ و تمدن قائل نیستند و عناصری از فرهنگ را در مجموعه تمدنی باز یافته اند و یا عناصر تمدنی را متعلق به فرهنگ دانسته اند.

به هر حال کشور ایران کنونی و کشورهای دیگری که از هزاره ها و سده های پیشین در یک مجموعه منسجم تاریخی و آمیختگی فرهنگی (و تمدن) حیات درخشان داشته اند همواره با دو تمدن بزرگ آسیایی، هند و چین و ماچین (با پاره تمدن های مرتبط با آنها) همزیستی مهرآمیز داشته و به طوری که تاریخ کمتر کشمکش و جنگ و نزاعی میان ملت های اصیل

برخاسته از منطقه را یاد آورده شده و بر عکس از رابطه های فرهنگی و تمدنی در زمینه های گوناگون سخن به میان آورده است.

در تقسیم بندی تمدن ها به منطقه های جغرافیایی و زمان های تاریخی نیز هماهنگی کامل دیده نمی شود. توتن بی (Toyenbee Arnold) که از متخصصان نامدار تاریخ تمدن بشری است در رابطه با آسیا به تمدن چین، تمدن هند (و جنوب شرقی آسیا) و تمدن ایران (امپراتوری) اشاره دارد و از تمدن جهان اسلام و شرق آسیا در دوره های متأخر سخن به میان آورده که البته مورد توجه و پذیرش بسیاری از محققان است. (۱۹)

به نظر نگارنده در شناخت تمدن های جهانی (از آن میان تمدن ایرانی) به چند مسئله باید توجه کرد.

۱. ارتباط تمام عناصر فرهنگی و مدنی با یکدیگر

۲. پیوندهای عناصر گوناگون مدنیت در جوامع مختلف جهانی

۳. شناخت زمانی و ناهمزمانی آغاز تمدن های جهانی

۴. انقطاع و ادغام تمدن های همجوار با یکدیگر

۵. سقوط و اضمحلال پاره تمدن ها

۶. دیرینگی و پایداری تحول پذیر برخی از تمدن ها

توصیف و تبیین هر یک از انواع تمدن ها به لحاظ زمانی باید «طولی» و به لحاظ محتوا باید «ترکیبی و تحلیلی» باشد و محققانی که در این امر سالیان دراز مطالعه کرده اند به طور کامل نتوانسته اند به شناخت کافی مسئله نائل گردند. ویل دورانت منصفانه در مقدمه کار بزرگ تحقیقاتی خود آورده است:

چگونه ممکن است دماغ باختر زمینی، خاور زمینی را فهم کند. هشت سالی که من در مطالعه و مسافرت گذرانده ام به من فهماند اگر یک مرد باختری تمام عمر خود را به مطالعه فضای خاور زمین وقف کند باز هم نمی تواند روح اسرار آمیز شرقی را چنان که هست درک کند. (۲۰)

این مسئله شناختی یا (Epistemologique) در دوران معاصر به وفور مورد بحث و گفت و

گوهای شرق شناسان قرار دارد. (۲۱)

۵. درون یابی های جغرافیای فرهنگی

از پنج هزار سال پیش از میلاد زندگی غار نشینی و دشت نشینی بخش هایی از آسیا متحول شد و در پی آن فرهنگ ها (و تمدن) و پاره فرهنگ های گوناگون پدید آمدند و در پهنه جغرافیایی دشت ها و بیابانها وسیع و کوه های مرتفع سبب می شد که مراودات و روابط میان آنها به سختی صورت گیرد. با این همه آثار متقابل فرهنگی و بومی هماهنگی و همسانی نیز در روابط آنها مشاهده شده است.

باشستان شناسان درباره ایران زمین (سرزمین آریین های پیشین) و ایران امروزی و کشورهای همجوار به لحاظ منطقه بندی های باستان شناختی اظهار نظرهایی کرده اند. واندنبرگ (vendenberg) منطقه های باستان شناسی ایران را بدین گونه متمایز کرده است.

۱. گیلان و مازندران

۲. گرگان و استرآباد

۳. خراسان و سیستان

۴. بلوچستان و کرمان

۵. لارستان

۶. فارس

۷. خوزستان

۸. لرستان

۹. کردستان

۱۰. آذربایجان

۱۱. عراق عجم (۲۲)

باشستان شناس ایرانی استاد دکتر صادق ملک شه میرزادی که از متخصصان دوره پیش تاریخی ایران به شمار می رود، منطقه های فوق را بدین صورت تقسیم کرده است

۱. منطقه جنوب غرب و شمال جنوب غرب

۲. منطقه کرمانشاه و غرب

۳. منطقه آذربایجان و شمال غرب

۴. منطقه شمال ایران

۵. منطقه فلات مرکزی

۶. منطقه شمال شرق

۷. منطقه شرقی

۸. منطقه جنوب شرق

۹. منطقه جنوب (۲۳)

رویان گیرشمن خاستگاه نخستین تمدن کهن ساکنان ایران زمین را در مناطق مرکزی فلات ایران (سیالک) و در کنار رودخانه (یا دریاچه خشک شده) دانسته و برخی از باستان شناسان، مناطق غربی (کرمانشاه) و گروهی در شمال فلات ایران (غارهای واقع در کنار دریای مازندران و گیلان دانسته اند. (۲۴)

آنچه بیشتر مورد توجه است نه تنها ارتباط های فرهنگی و تمدنی منطقه های یاد شده است بلکه از مدنیت شوش و نیز پیوندهای فرهنگی حوزه های سومر آکد بابل فنیقیه، آشور و عیلام (در هماهنگی با تمدن مصر) به زبان رالف لیتتون «تمدن های همسنت و بهم آمیخته آسیای جنوب غربی» (Mesopotamie) می باشد. باستان شناسان و پژوهشگران پیش تاریخی منطقه های آسیای مرکزی و غربی همزمان به این واقعیت رسیده اند که مردم در جنوبی سیر دریا (سیحون) در زمانی که به مرحله زندگی مبتنی بر شکار رسیده بودند همانند قرن های گذشته به فکر کوچ و اسکان در سرزمین های جدید افتادند و در هزاره سوم پیش از میلاد گروه هایی از آنان از شمال دریای خزر به سوی اروپا مهاجرت کردند برخی از آنان به احتمال زیاد به قفقاز رفتند و بازگشت هایی هم در این کوچ روی ها بوده است. اما در میانه هزاره سوم گروه های دیگری به سوی سرزمین کاسپین ها سرازیر شدند که گویا چندان در خور توجه نبوده است. اما پس از پانصد تا هزار سال بعد به دلایل گوناگون از جمله به منظور دست یابی به مراتع مناسب و همین طور به سبب فشار و کشمکش های اقوام شمالی منطقه مهاجرت های دیگری هم از دو سوی دریای خزر و هم زمان به سوی سرزمین های جنوبی مانند سیستان (سگستان) و هند صورت گرفته است. همان طور که در پیش هم اشاره شد، مهاجران جدید سرزمین خود را «ایثرینه وئجه» (Airanaveje) (سرزمین ویژه آریایی) نام نهاد و آنهایی که به سوی هند رهسپار شده بودند اقامتگاه خود را «آریا ورته» (Airanavarte) (سرزمین آریایی) نامیدند.

بنیان یابی تمدن ایرانی در آسیای کهن (ناصر تکمیل همایون) ۱۳

سرزمین ایترنه یا ایران به علت گستردگی بسیار در متن های ایران پژوهی جدید به زبان انگلیسی به نام ایران بزرگ یا ایران بزرگتر (Greater Iran) و به زبان فرانسه ایران برونی یا خارجی (Iran Exterieur) نام برده می شود.

مهاجران آریایی و ساکنان کهن «ایران زمین» عیلامیان، کاسپین ها، و قوم های دیگر در مسیر تاریخی ادغام های اجتماعی و فرهنگی و پاره ای از خصیصه ها و پاره فرهنگ های یکدیگر را پذیرفتند. باورهای آنان در یکدیگر اثر گذاشت و در روند پدید آمده، اندک اندک جامعه جدیدی به وجود آمد و همزمان با پیدا شدن شهرها و همبستگی های حکومتی و دینی و تحولات اقتصادی، طلیعه تمدن ایرانی در همزیستی و مدارا شکل گرفت.

استاد روانشاد دکتر عبدالحسین زرین کوب نوشته است:

البته انتقال آریای ایران [آریاییان ساکن در ایران زمین] از معیشت شبانی به اقتصاد روستایی و پیوند آنها با کشت زمین نه فقط در عقاید و اساطیر بلکه در مراسم و آداب دینی قوم هم می بایست تأثیر قاطعی کرده باشد. عجب نیست که تدریجاً در مقابل خدایان بیابانی مثل میترا خدای گله ها و چراگاه ها و آیدیم نپات خدای آب ها که در نزد دو قوم هند و ایرانی با زندگی کوچ نشینی و شبانی ارتباط داشت اهورا مزداى خدای «کلیم» که نظم و انضباط، اقتصاد روستایی به حکمت و قدرت او حاجت داشت غلبه بیابد و شرک و ثنویت دیرینه را تدریجاً به سوی نوعی توحید و وحدت وجود سوق دهد. (۲۵)

۶. نتیجه گیری

کهن ترین و بزرگ ترین خشکی جهان، آسیا، پرورش دهنده جوامع گوناگون با فرهنگ ها و پاره فرهنگ های متفاوت پس از هزاران سال تحول و تکامل، تمدن یا تمدن های بشر را پدید آورد که اکنون در سرتاسر جهان گستردگی یافته است.

در منطقه های مرکزی و غربی این قاره، جماعت های اولیه انسانی زیست آغازین خود را استمرار می دادند که به نام آریین ها در تاریخ باستان شناسی نامور شده اند. این جماعت ها و اقوام که بر پایه جغرافیا و فضای زندگی در توخذ و بالندگی قرار داشتند، در مسیر مهاجرت ها و گذریابی از مراحل تاریخ، به مرور انسجام اجتماعی و فرهنگی سازنده تر پیدا کردند و همانند دو قوم بزرگ قاره ای، هندی و چینی، توانستند خود را به مرحله ای برسانند که باستان شناسان آن را عصر تمدن نامیده اند. یگانگی نسبی در عقاید و باورهای مذهبی، اشتراکات همسانی در زندگی اجتماعی و سیاسی برخورداری های بخردانه از طبیعت و تولید مواد

زیستی، امید و حرکت در جامعه آغازین آن روزگاران را رقم می زد و تمدن سازی آنان که تبلور آن در وحدت نهادهای سیاسی و حکومتی تجلی داشت از سده های پنجم و ششم پیش از میلاد در تنوع منطقه ها، چهره اتحاد و هم اهنگی ها را نمایان می ساخت.

گیرشمن درباره مردم ایران در آن زمان نوشته است:

هر چند در مناطق زمین های زراعتی و واحدهای متفرق بودند، استعداد و قدرت ایجاد تمدن را داشتند. افکار و آداب ترقیات دینی و صنعتی که در ایران پدید آمده آثار خود را در تمدن های ممالک بیگانه باقی گذاشته است. (۲۶)

آنچه در تمدن آغازین ایران مشهود است، قدرت گیرندگی و اخذ از متمدنان دیگر، واکاوی در تمام عناصر مأخوذ و نوسازی آن و انتقال به اقوام و ملل جهان بوده که ایران شناسان به تحقیق و چگونگی آن اشاره کرده اند. (۲۷)

پی نوشتها

۱. اعتمادالسلطنه محمدحسن خان، *تطبیق لغات جغرافیایی قدیم و جدید ایران*، تصحیح میر هاشم محدث (تهران، امیر کبیر ۱۳۶۲)، ص ۱۹
۲. همان ص ۶۴
۳. برای نمونه: دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، جلد اول، تهران، مؤسسه لغت نامه دهخدا، ۱۳۷۴؛ مصاحب، غلام حسین، *دایره المعارف فارسی*، جلد اول، تهران، فرانکلین ۱۳۴۵
۴. امین احمد رازی، *هفت اقلیم*، تهران، بی تا، ص ۶
۵. برای آگاهی بیشتر ← تکمیل همایون، ناصر، *اسطوره پایداری ایران زمین*، دو فصلنامه نامه ایران شناسی، تهران، دانشگاه شهید بهشتی، سال نخست، شماره نخست، ۱۳۹۵، ص ۱۴-۷
۶. به نقل از احدی احد و رزم جو حسن (تهران ۱۳۴۱) ص ۱۴
۷. ابوریحان بیرونی، *نهایات المالی* ترجمه احمد آرام (تهران، دانشگاه تهران ۱۳۵۳) ص ۱۱۰-۱۰۹
۸. *تطبیق لغات جغرافیایی قدیم و جدید ایران* ص ۶۱
۹. *رابینستون الکساندر چارلز*، تاریخ باستان، ترجمه دکتر اسمعیل دولتشاهی (تهران، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی ۱۳۷۰) ص ۱۴
۱۰. همان ص ۱۰
۱۱. تکمیل همایون ناصر، *درآمدی کوتاه بر باستان شناسی*، تألیف گوردون چایلند، ترجمه هایده معیری (تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی ۱۳۶۸) ص ۳۹

بنیان یابی تمدن ایرانی در آسیای کهن (ناصر تکمیل همایون) ۱۵

۱۲. لیتتون رالف، سیر تمدن، ترجمه پرویز مرزبان، (تهران، نشر دانش ۱۳۳۷) ص ۲۱۴
۱۳. همان ص ۲۱۵
۱۴. همان ص ۸-۲۴۷
۱۵. فرای ریچارد، میراث باستانی ایران، ترجمه مسعود رجب نیا، (تهران، انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۶۸) ص ۲
۱۶. تکمیل همایون ناصر، گستره فرهنگی و مرزهای تاریخی ایران زمین، (تهران، دفتر پژوهش های فرهنگی ۱۳۸۰)، چاپ رم ص ۱۵
۱۷. برای آگاهی بیشتر ← «کلیات راجع به جغرافیای ایران» نوشته بونیفا لئو (A- Bonifacio) تمدن ایرانی ترجمه عیسی بهنام (تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب ۱۳۳۷) ص ۹
۱۸. برای آگاهی بیشتر ← گستره فرهنگی و مرزهای تاریخی ایران زمین، فصل یکم
۱۹. توتن بی آرنولد، تاریخ تمدن، تحلیلی از تاریخ جهان از آغاز تا عصر حاضر، ترجمه یعقوب آژند، تهران، انتشارات مولی، ۱۳۶۲
۲۰. ویل دورانت، مشرق زمین گاهواره تمدن، ترجمه احمد آرام، تهران، اقبال، ۱۳۳۷، ص ط-ی
۲۱. برای آگاهی بیشتر ← ادوارد سعید، شرق شناسی، ترجمه عبدالریم گواهی، تهران، علم ۱۳۸۸
۲۲. واندنبرگ لویی، باستان شناسی ایران، ترجمه عیسی بهنام، (تهران، دانشگاه تهران ۱۳۳۸) ص ۸
۲۳. ملک شهمیرزادی صادق، ایران در پیش از تاریخ، (تهران، سازمان میراث فرهنگی ۱۳۷۸) ص ۱۰۱-۱۰۰
۲۴. برای آگاهی بیشتر ← تکمیل همایون ناصر، تاریخ ایران در یک نگاه، (تهران، دفتر پژوهش های فرهنگی ۱۳۸۰) چاپ پنجم، فصل یکم
۲۵. زرین کوب، عبدالحسین، تاریخ مردم ایران، ایران قبل از اسلام (تهران، امیر کبیر ۱۳۶۴) ص ۲۸-۲۹
۲۶. گیرشمن، رومن، ایران از آغاز تا اسلام، ترجمه دکتر محمد معین (تهران، انتشارات علمی و فرهنگی ۱۳۶۸) ص ۸
۲۷. همان ص ۳۸

کتابنامه

- ابوریحان بیرونی (۱۳۵۳)، *نهایات المالی* ترجمه احمد آرام (تهران، دانشگاه تهران)
- ادوارد سعید (۱۳۸۸)، *شرق شناسی*، ترجمه عبدالریم گواهی، تهران، علم

۱۶ مطالعات فرهنگ و هنر آسیا، سال ۳، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۳

- اعتمادالسلطنه محمدحسن خان (۱۳۶۲)، *تطبیق لغات جغرافیایی قدیم و جدید ایران*، تصحیح میر هاشم محدث، تهران، امیر کبیر
- امین احمد رازی (بی تا)، *هفت اقلیم*، تهران،
- تکمیل همایون ناصر (۱۳۸۰)، *تاریخ ایران در یک نگاه*، تهران، دفتر پژوهش های فرهنگی، چاپ پنجم، فصل یکم
- تکمیل همایون ناصر، *درآمدی کوتاه بر باستان شناسی*، تألیف گوردون چایلد، ترجمه هایده معیری، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی
- تکمیل همایون ناصر (۱۳۸۰)، *گستره فرهنگی و مرزهای تاریخی ایران زمین*، تهران، دفتر پژوهش های فرهنگی، چاپ رم
- تکمیل همایون، ناصر (۱۳۶۲)، *اسطوره پایداری ایران زمین*، دو فصلنامه نامه ایران شناسی، تهران
- توئن بی آرنولد، *تاریخ تمدن*، تحلیلی از تاریخ جهان از آغاز تا عصر حاضر، ترجمه یعقوب آژند، تهران، انتشارات مولی
- دانشگاه شهید بهشتی، سال نخست، شماره نخست، ۱۳۹۵ ص ۷-۱۴
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۴)، *لغت نامه دهخدا*، جلد اول، تهران، مؤسسه لغت نامه دهخدا،
- رابینستون الکساندر چارلز، *تاریخ باستان*، ترجمه دکتر اسمعیل دولتشاهی (تهران، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی
- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۶۴)، *تاریخ مردم ایران*، ایران قبل از اسلام، تهران، امیر کبیر
- فرای ریچارد، میراث باستانی ایران، ترجمه مسعود رجب نیا، تهران، انتشارات علمی فرهنگی
- کلیات راجع به جغرافیای ایران» نوشته بونیفا لیو (Bonifacio - A- تمدن ایرانی، ترجمه عیسی بهنام (تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب
- گیرشمن، رومن (۱۳۶۸)، *ایران از آغاز تا اسلام*، ترجمه دکتر محمد معین (تهران، انتشارات علمی و فرهنگی،
- لیتتون رالف، *سیر تمدن*، ترجمه پرویز مرزبان، تهران، نشر دانش
- مصاحب، غلام حسین (۱۳۴۵)، *دایره المعارف فارسی*، جلد اول، تهران، فرانکلین
- ملک شه میرزادی صادق (۱۳۸۷)، *ایران در پیش از تاریخ*، تهران، سازمان میراث فرهنگی
- واندنبیگ لویی (۱۳۳۸)، *باستان شناسی ایران*، ترجمه عیسی بهنام، تهران، دانشگاه تهران
- ویل دورانت (۱۳۳۷)، *مشرق زمین گاهواره تمدن*، ترجمه احمد آرام، تهران، اقبال